

یک مقایسه تطبیقی پیرامون سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های اول و دوم

■ سیاست‌های کلان دو برنامه در یک نگاه

مهندس ذبیح الله عزیزی

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

در فروردین ماه ۱۳۶۸ همراه با تهیه و تنظیم برنامه اول جمهوری اسلامی ایران، سیاستها و اولویتهای بازسازی مناطق جنگزده از سوی دفتر ریاست جمهوری منتشر گردید و در سال گذشته در تکاپوی نهایی ساختن برنامه پنج ساله دوم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور، سیاستهای حاکم بر برنامه دوم از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ گردید.
در مقاله حاضر، ضمن تشریح خطوط کلی حرکت از این سیاستها، سیر تحول آنها با توجه به مقتضیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و با نگاهی برنامه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

- عدالت اجتماعی

- حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی

۲- مروری بر پیشینه ابلاغ سیاستها

همزمان با پایان یافتن کار تهیه برنامه پنج ساله دوم اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور و تقدیم آن به مجلس در سال جاری برای بررسی و تصویب نهایی، سیاستهای حاکم بر برنامه دوم از سوی رهبر معظم انقلاب انتشار یافت. این در حالی است که پنج سال پیش در فروردین ماه سال ۱۳۶۸ نیز همراه با تهیه و تنظیم برنامه اول جمهوری اسلامی سیاستها و اولویتهای بازسازی مناطق جنگزده از سوی دفتر ریاست جمهور وقت منتشر گردید. در این بررسی تلاش می شود ضمن تشریح خطوط کلی هر یک از این سیاستها، سیر تحول آنها با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با نگاهی برنامه‌ای بررسی شود.

۳- سیاستهای ابلاغی برنامه اول

سیاستها و اولویتهای سال ۶۸ که بسیار تفصیلی تهیه شده، محورهای زیر را مورد توجه قرار داده است:

۱-۳- بازسازی مناطق جنگزده

با پایان گرفتن جنگ تحمیلی که خسارتهای زیادی به مناطق بخش غربی کشور وارد آورد، سیاستهای بازسازی بیش از دیگر سیاستها مطرح شد: اصل مشارکت مردم محلی در بازسازی، ایجاد انگیزه برای بسیج

۱- مفهوم سیاستگذاری

سیاست در لغت به معنی روش معین اقدامی است که از میان اقدامات دیگر به منظور هدایت و تعیین تصمیمات حال و آینده انتخاب می شود. تعیین سیاستها مهمترین بخش در فرایند تصمیم گیری و مدیریت جامعه به ویژه در سطح کلان و بخشهای اقتصادی - اجتماعی است که معمولاً در هنگام تهیه، تنظیم و تصویب برنامه‌های بلندمدت و میانمدت بیشترین اهمیت را می یابد. مهمترین مقولاتی که در سیاستگذاریها مورد توجه قرار می گیرد و آینده‌ای بلندمدت را در نظر دارد به شرح زیر است:

- ثبات اقتصادی و جلوگیری از نوسانات مداوم فعالیتهای اقتصادی، نرخ بالا و متغیر تورم و بی ثباتی عمومی قیمتها.

- بسیج منابع و ایجاد تعادل در توزیع آن بین تقاضای نهایی یعنی مصرف و پس انداز و سرمایه گذاری

- تخصیص متناسب منابع بین بخشها و افزایش کارایی عمومی تولیدات - اشتغال و مسائل نیروی انسانی

- روابط اقتصادی خارجی و احتراز از کسری زیاد و روبه افزایش تراز پرداختها

- نابرابریهای منطقه‌ای و گروههای اجتماعی - محیط زیست

- تأمین رشد مداوم و بهبود ساختار تولید

- بهبود کیفیت زندگی و ارتقای رفاه عمومی

کمک‌های مردمی سراسر کشور، رعایت خصوصیات فرهنگی و روانی، پیش‌بینی تدابیر ایمنی در مقابل حملات احتمالی، حفظ بخش‌هایی از آثار جنگ تحمیلی برای نشان دادن تاریخ ایثار و مقاومت مردم از جمله مهمترین سیاستها بودند. بخشهای نفت و انرژی، کشاورزی، کارخانجات تولیدکننده مصالح ساختمانی، مسکن، کارخانجات دارای اشتغال و تولید بیشتر ضد تورم، ارزبری کم و روستاها نیز از نظر بازسازی در اولویت بودند.

۲-۳- ایجاد تعادل منطقه‌ای و تمرکززدایی اداری

در دوره جنگ، مدیریت جنگ مستلزم تصمیم‌گیریهای مرکزی در زمینه‌های مختلف فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی بود. علاوه بر آن مهاجرتهای اجباری ناشی از جنگ و نیز بعضی ویژگیهای تاریخی و اقتصادی شهرهای بزرگ، موجب تراکم جمعیت در تعدادی از مراکز شهری کشور شد. در سال ۱۳۶۸ سیاستهای تعادل‌بخشی منطقه‌ای و تمرکززدایی برای توسعه اختیارات استانها و واحدهای کوچکتر تقسیمات کشوری و کاستن از بار دستگاههای اجرایی و تمرکززدایی از تهران و شهرهای بزرگ مطرح گردید.

۳-۳- توسعه بخشهای اقتصادی

در سال ۱۳۶۸ سیاستهایی برای بخشهای انرژی و نفت، کشاورزی، آب، مسکن، معادن و صنایع معدنی و راه و حمل و نقل تنظیم

گردید. این سیاستها را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی کرد:

الف - توسعه و تنوع بخشیدن به محصولات بخشهای اقتصادی - در بخش نفت و انرژی استفاده حداکثر و جایگزین کردن گاز طبیعی نسبت به سایر مواد سوختی و توجه به بخش پتروشیمی، در بخش آب توسعه منابع آب از طریق مهار آبهای سطحی و تقویت سفره‌های زیرزمینی، در بخش کشاورزی توسعه اراضی کشاورزی و اصلاح نظام بهره‌برداری، در بخش مسکن عرضه اراضی دولتی غیرمستعد کشاورزی برای فروش، استفاده از مصالح غیروابسته و محلی، تشویق ساخت واحدهای کوچک مسکونی، در بخش معادن و صنایع معدنی توسعه فعالیتهای اکتشافی و ایجاد صنایع تبدیلی مواد معدنی، در بخش راه و حمل و نقل ایجاد ارتباطات مناسب بین قطبهای کشاورزی و تولیدی به نقاط مصرف و ایجاد ترمینال‌های صادراتی را می‌توان سیاستگذاری در جهت توسعه و تنوع بخشیدن به محصولات و فعالیتهای بخش‌های اقتصادی دانست. قابل ذکر است که وزارتخانه‌های صنایع سنگین و صنایع، فاقد هرگونه سیاستگذاری است.

ب - بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی - تقریباً در تمامی بخشها استفاده از منابع سرمایه‌ای غیردولتی به عنوان سیاستی اساسی آمده است. در بخش نفت و انرژی مشارکت بخش غیردولتی در صنایع رده پایین پتروشیمی و صنایع جنبی این بخش، در بخش کشاورزی ایجاد تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاران فاقد وثیقه و تضمین کافی، واگذاری تمام یا

قسمتی از سهام واحدهای تولیدی به بخش غیردولتی و بانکها، تدابیر حمایتی برای بیمه محصولات کشاورزی و تأمین امکانات لازم جهت بسط و گسترش شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی، در بخش آب جلب مشارکت مردم در امر سرمایه‌گذاری در تأسیسات آبی کوچک و حمایت از سرمایه‌گذاری مردمی در بخش تأمین آب، در بخش مسکن تشویق بخش غیردولتی به آماده‌سازی و عرضه اراضی برای مسکن و واگذاری سرمایه‌گذاری در امر مسکن به بخش خصوصی، تعاونیها، بنیادها، سیستم بانکی و شرکتهای سرمایه‌گذاری در بخش معادن و صنایع معدنی جلب مشارکت مردم در زمینه اکتشاف، بهره‌برداری و ایجاد صنایع معدنی و در بخش راه و حمل و نقل استفاده از منابع سرمایه‌ای غیردولتی، از جمله سیاستهایی هستند که جهت بسیج منابع سرمایه‌ای، غیردولتی عنوان شده است.

علاوه بر موارد فوق بخش جداگانه‌ای از سیاستها به نحوه سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در واحدهای تولیدی اختصاص یافته است. این سیاستها سرمایه‌گذاری غیردولتی در بخشهای کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات را تشویق و امنیت سرمایه‌گذاری مردم را با اصلاح قوانین لازم توسط دولت تأمین می‌کند.

ب - افزایش کارایی عمومی - سیاستهایی مانند نگهداری، تجهیز و بهره‌برداری بهتر از تأسیسات و نیروگاههای موجود و تکمیل و راه‌اندازی طرحهای در دست اجرا در بخش

انرژی و نفت، حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع تجدید شونده (جنگل و مرتع) و تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص در بخش کشاورزی، تدارک زمینها و فراهم نمودن امکانات آموزشی لازم به منظور بهبود روشهای آبیاری و افزایش بهره‌وری در استفاده از آب و اصلاح شبکه و سیستم آبیاری، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و حفظ و نگهداری سدها و تأسیسات موجود در بخش آب، تشویق به تعمیر و مرمت واحدهای مسکونی به جای تخریب و بازسازی آنها و تقلیل مناسب سطح زیربنا در هر واحد مسکونی در بخش مسکن، بهره‌برداری مطلوب از تجهیزات، مستحصین و نیروهای ماهر و تأکید بر آموزش و تربیت نیروهای انسانی و تکمیل و راه‌اندازی طرحهای در دست اجرا در بخش معادن و صنایع معدنی و نگهداری، اصلاح و تجهیز خطوط راه آهن، راهها، بنادر و فرودگاههای موجود و تکمیل طرحهای در دست اجرا در هسریک از موارد مذکور و آموزش و تربیت نیروی انسانی در امور حمل و نقل به منظور افزایش کارایی عمومی تنظیم شده است. هدف در تنظیم این سیاستها، عمدتاً حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات و تجهیزات موجود و تکمیل و راه‌اندازی طرحهای در دست اجرا برای بهره‌برداری از سرمایه‌گذارانهای انجام شده بوده است.

ت - تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی خارجی - برای ایجاد تعادل در تراز پرداختها و احتراز از کسری تراز پرداختها در بخش کشاورزی اولویت به استفاده از ارز صادراتی حاصله از صدور محصولات کشاورزی، در بخش مسکن سیاستهای توجه به صرفه‌جویی ارزی در کارهای عمرانی و ساختمانی و سرمایه‌گذاری در تولید مصالح ساختمانی به جای واردات آن، در بخش معدن و صنایع معدنی سیاستهای تأمین مواد معدنی خام و کار شده که در کشور زمینه تولید آنها وجود دارد به جای واردات آن و صدور مواد خام و تولیدات معدنی زائد بر نیاز داخلی، و در بخش راه و حمل و نقل سیاست کاهش وابستگی ارزی مطرح شده است. قابل ذکر است که در سیاستهای مذکور شده در مورد نحوه سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در واحدهای تولیدی، دولت مکلف گردیده تسهیلات لازم برای واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات و سایر نیازمندیهای تولیدی و نیز امکسان بازپرداخت سرمایه‌گذاریها و تأمین مواد اولیه از طریق صادرات را فراهم نماید. علاوه بر آن در بخش جداگانه‌ای از سیاستها، طرق تأمین ارز (تهاتر، حساب مخصوص، یوزانس حداقل دو ساله، پیش‌فروش محصولات مازاد بر نیاز داخلی و استفاده از منابع خارجی) ذکر شده است. نظر به اهمیت منابع خارجی تأمین ارز، شرایطی برای استفاده از این منابع در نظر گرفته شده است. از جمله این شرایط می‌توان احتراز از کوچکترین وابستگی سیاسی و حفظ کامل منافع و حاکمیت جمهوری

اسلامی، انتقال تکنولوژی و تربیت نیروی کارشناسی، اولویت در استفاده از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای داخلی، استفاده از ارز خارجی در طرحهای محدود و مشخص و مهم و اساسی، بکارگیری ارز خارجی در زنجیره‌های صنایع مهم کشور نام برد. علاوه بر آن همزمان بودن تاریخ شروع بازپرداخت وام خارجی با بهره‌برداری از طرحهای مربوط و فروش محصول نهایی در تنظیم سیاستهای سال ۱۳۶۸ مورد تأکید قرار گرفت.

ث - حمایت از تعمیق و ترویج تکنولوژی در بخشهای اقتصادی مختلف سیاستهایی در تباط با مطالعه و تحقیق ذکر شده است. به عنوان نمونه در بخش انرژی و نفت مطالعه و تحقیق در زمینه استفاده از انرژیهای جدید، در بخش کشاورزی نامههای آموزشی و ترویجی و در بخش معدن و صنایع معدنی انجام تحقیقات به منظور فرآوری مواد معدنی سیاستهایی در جهت حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی است.

در مجموع، بررسی سیاستها و اولویتهای حاکم بر برنامه اول، که از تفصیلی بیش از حد برخوردار است و گاه اقدامات اجرایی را نیز دربر می‌گیرد، نشان می‌دهد که بازسازی مناطق جنگزده، ایجاد تعادل و تمرکززدایی اداری و تصمیم‌گیری و توسعه بخشهای اقتصادی مورد توجه بوده و سیاستهای اعلام شده برای توسعه بخشهای اقتصادی، سیاستهای توسعه و تنوع بخشیدن به محصولات بخش، بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی، افزایش کارایی عمومی، تعادل در

۱۳۶۸ (و پس از آن)، و تورم قابل ملاحظه به دنبال اجرای سیاست‌های تعدیل، تک نرخی کردن ارز و خصوصی‌سازی، که اشاره‌ای به آن در سیاست‌های حاکم بر برنامه اول وجود ندارد، شرایطی را بوجود آورد که باعث شد عدالت اجتماعی به طور مشخص در صدر سیاست‌های اعلام شده قرار گیرد. توزیع عادلانه‌تر درآمدها و کاهش اختلافات گروه‌های مختلف اجتماعی، با اعلام و اعمال سیاست‌های مطرح در این رابطه نظیر «تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی؛ دریافت مالیات برحسب برخورداری از درآمد، حمایت جدی و قانونی از افشار مستضعف جامعه، بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها، اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از ایجاد درآمدهای بادآورده، در برنامه دوم قابل تحقق است. ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویتهای منطقه‌ای، از جمله اساسی‌ترین سیاست‌های عدالت اجتماعی است که تأمین‌کننده حق اساسی افراد جامعه برای داشتن شغل و درآمد مشروع با استفاده از نیروی فکر و جسم آنهاست. گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی نیز از جمله سیاست‌های تأمین عدالت اجتماعی است که افشار آسیب‌پذیر نظیر سالمندان، از کارافتادگان، بیکاران، آسیب‌دیدگان از کار و نظایر آن را زیر پوشش قرار می‌دهد (بند ۱). بخشی از سیاست‌های پولی و بانکی یعنی اتخاذ تدابیر لازم برای احیای سنت قرض‌الحسنه در مجموعه بانکی

تراز پرداختها و روابط اقتصادی خارجی و حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی را در بر می‌گیرد. باید اشاره کرد که سیاست‌های توسعه بخشی به تفکیک بخشهای اقتصادی یعنی انرژی و نفت، کشاورزی، آب، مسکن، معادن و صنایع معدنی، راه و حمل و نقل تنظیم شده است و مقولاتی سیاستی در سیاستگذاری اهمیت نداشته است. از این رو بررسی سیاستها بر مبنای مقولات سیاستی نشان می‌دهد که به ویژه در ارتباط با توسعه بخشهای اقتصادی و مقولاتی چون بسیج منابع سرمایه‌ای، افزایش کارایی عمومی و حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی، تعیین سیاستهایی جامع‌تر هم از نظر محتوا و مضمون و هم از نظر شمول بخشی امکانپذیر بوده است.

۴- سیاست‌های ابلاغی برنامه دوم

سیاست‌های حاکم بر برنامه دوم که از انسجام به مراتب بیشتری، هم از نظر شکل و هم از نظر محتوی برخوردار است، تحولاتی اساسی را در امر سیاستگذاری نشان می‌دهد. اختصار و توجه به جدی‌ترین مسائل از ویژگیهای این مجموعه سیاست است و مقولات سیاستی زیر را می‌توان در آن یافت:

۴-۱- عدالت اجتماعی

با پایان یافتن قسمتهای عمده فعالیت‌های اجرایی بازسازی مناطق جنگزده و به حرکت درآمدن فعالیت‌های بخشهای اقتصادی از سال

کشور و تسهیل اعتبار برای کسانی که از تواناییهای کاری و فنی برخوردارند را نیز می‌توان در راستای سیاستهای عدالت اجتماعی دانست (بند ۱۱).

۲-۴- تقویت ارزشهای فرهنگی و انقلابی و توجه به بخشهای اجتماعی

به منظور مقابله با نفوذ فرهنگی غرب و تقویت پایه‌های ارزشی جامعه و نیز برای توسعه منابع انسانی که امروزه بیشترین اهمیت را در دستیابی به توسعه پایدار یافته است، سیاستهای تقویت و ترجیح ارزشهای انقلابی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی، توجه لازم به بخشهای اجتماعی و سهم آن در برنامه نظیر امنیت عمومی و قضائی، فرهنگ، آموزش همگانی، بهداشت و درمان، آموزش عالی و تحقیقات، حفظ محیط زیست و تربیت بدنی و جهت دادن به کلیه فعالیتهای اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه اعلام شده است. (بندهای ۲، ۵ و ۶).

۳-۴- متعادل کردن روابط اقتصادی خارجی

برای تنظیم روابط اقتصادی خارجی سیاست گسترش تولید داخلی به ویژه در زمینه کشاورزی و تأمین نیازهای اساسی جامعه، و کاهش واردات اجناس مصرفی و غیرضروری، همراه با افزایش کیفیت فرآورده‌ها در کشور و توسعه صادرات غیرنفتی انتخاب شده است. همچنین برای بی‌نیاز کردن کشور از خارج در مصارف

عمده و نیازهای اساسی، رعایت اولویت در سرمایه‌گذاریهای زیربنایی و غیر زیربنایی با هدف تکمیل زنجیره تولید برای مصرف داخلی و صادرات از جمله سیاستهای ذکر شده است. سیاست دیگر در ارتباط با تنظیم روابط اقتصادی خارجی، اتخاذ تدابیر لازم برای دچار نشدن کشور به استقراض خارجی و تلاش برای رهایی از تعهدات فعلی است. بدین ترتیب تأکید اساسی بر تأمین نیازهای اساسی جامعه در داخل، کاهش واردات، توسعه صادرات غیرنفتی و حرکت به سمت تراز پرداختهای متعادل‌تر ضمن رهایی از وابستگی به نفت و سرانجام بی‌نیازی از استقراض خارجی است. (بندهای ۳، ۷ و ۱۱).

۴-۴- افزایش کارایی در نظام اداری

وسعت گرفتن دستگاه اداری دولت بیش از آنچه انتظار می‌رفت. (به ویژه پس از اجرای سیاست خصوصی‌سازی و محدود کردن وظایف دولت به اعمال حاکمیت و فعالیت اقتصادی در زمینه‌های کاملاً استراتژیک) و افزایش شدید مخارج بخش عمومی همراه با بعضی ناکارایی‌ها و عدم تحرکها، اتخاذ سیاستهایی را در این رابطه غیرقابل اجتناب کرد. از اینرو در سیاستهای حاکم بر برنامه دوم، سیاستهای تصحیحی و اصلاح نظام اداری و قضائی تا رسیدن به وضعی که بتواند برنامه را در جهت هدفهایش به درستی اجرا کند و همچنین اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه و جلوگیری از اعمال سلیقه‌های فردی و بخشی در این راستا مورد

توجه قرار گرفته است (بندهای ۴ و ۹).

۵-۴- اصلاح روند خصوصی سازی و تعادل بخشیدن به اقتصاد داخلی

خصوصی سازی و واگذاری مؤسسات اقتصادی بخش دولتی به مردم در سالهای اخیر و تأثیرات آن بر تولید به ویژه در بخش صنعت، توجه جدی به امر واگذاری مؤسسات اقتصادی در سیاستهای حاکم بر برنامه را ضروری ساخت. از اینرو سیاستهای ویژه ای برای اصلاح روند خصوصی سازی اعلام شده است. واگذاری مؤسسات اقتصادی در راستای تحقق اهداف برنامه و در چارچوب قانون اساسی، بدون آنکه موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی گردد و بدون آنکه به ایجاد انحصار بیانجامد، سیاست اقتصادی مهمی است که در این رابطه مطرح می شود (بند ۸). علاوه بر آن برقراری تعادل در اقتصاد، تعادل در درآمدها و هزینه های دولت و تعادل در دریافتها و پرداختهای ارزی، ضمن اعلام سیاستهای تدریجی استقرار داخلی و اتخاذ تدابیر لازم برای دچار شدن کشور به استقلال داخلی و تلاش برای زمینی تدریجی به دست یافتن در قالب سیاستهای برای رسیدن به این هدف است (بند ۱۱). این سیاست ها توجه به تجربیات جهانی درباره تورمهای سه رقمی داخلی و بحران بدهیها، اهمیت قابل توجهی دارد که می تواند ضمن حفظ استقلال

اقتصادی و سیاسی کشور آثاری به صورت افزایش کارایی عمومی در زمینه های مختلف داشته باشد.

بدین ترتیب بررسی سیاستهای حاکم بر برنامه دوم نشان می دهد که مقولات سیاستی مهمی همچون عدالت اجتماعی، ارزشهای فرهنگی و انقلابی و توسعه بخشهای اجتماعی، روابط اقتصادی خارجی، افزایش کارایی در نظام اداری و در نهایت اصلاح روند خصوصی سازی و تعادل بخشیدن به اقتصاد داخلی در سیاستگذاری مورد توجه بوده است.

۵- مقایسه سیاستهای ابلاغی دو برنامه در یک نگاه

بررسی سیاستهای حاکم بر برنامه های اول و دوم تحولات چندی را نشان می دهد. این تحولات را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱-۵- تحول در جهت توجه به عدالت اجتماعی

ارزشهای فرهنگی و انقلابی و توسعه بخشهای اجتماعی سیاستهای حاکم بر برنامه اول عمدتاً به زمینه های اقتصادی فعالیتها توجه داشته است در حالی که در برنامه دوم به توسعه بخشهای اجتماعی و فرهنگی اهمیت کشور اهمیت درجه اول یافته و پیش از ایجاد اقتصادی فعالیتها، مورد توجه قرار گرفته است.

فهرست منابع:

1- Planning Commission, Sixth Five year plan 1980-85, Government of India, 1981.

۲- ل. یابری، برنامه‌ریزی اقتصادی، ترجمه حسن منصور، نشر نو، ۱۳۶۳.

۳- وحیدی، پریدخت و فیض‌اللهی، علیرضا، نظام برنامه‌ریزی خودگردانی در یوگسلاوی، انتشارات کاویان، ۱۳۶۵.

۴- ریاست جمهوری، سیاستها و اولویتهای برنامه اول، فروردین ۱۳۶۸.

۵- دفتر مقام معظم رهبری، سیاستهای حاکم بر برنامه دوم، ۱۳۷۲.

□ □ □

۲-۵- تحول در جهت نگرشی کلان بجای

نگرشی بخشی در زمینه‌های اقتصادی

در سیاستهای حاکم بر برنامه اول بخشهای اقتصادی اهمیتی اساسی یافته و سیاستگذاری به تفکیک بخشهای اقتصادی صورت گرفته است در حالی که در برنامه دوم اقتصاد در کلیت آن مورد سیاستگذاری قرار گرفته و مقولات سیاستی معطوف به توسعه بخشهای اقتصادی در برنامه اول مانند بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی و تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی از مقولاتی بخشی به مقولاتی کلان تبدیل شده است و به صورت متعادل کردن روابط اقتصادی خارجی و اصلاح روند خصوصی‌سازی و تعادل بخشیدن به اقتصاد داخلی عمومیت یافته است.

۳-۵- تحول در جهت محدود کردن

سیاستها به موارد مشخص

در برنامه دوم سیاستهای اعلام شده محدود گردیده و تفصیل قابل احتراز سیاستهای حاکم بر برنامه اول را ندارد. محدود کردن تعداد سیاستها و احتراز از اعلام سیاستهای متعدد و گاه غیرضرور باعث می‌شود از طرفی سیاستها عملاً مورد توجه قرار گرفته و به اجرا درآیند و از طرف دیگر نظارت بر اجرای سیاستها و ارزیابی نتایج حاصل از آن ممکن شود. به علاوه اعلام سیاستهای محدود منابع پراکنده شدن منابع شده و احتمال تحقق کامل اهداف را افزایش می‌دهد.